

کاربست رویکرد تطبیقی در فلسفه تعلیم و تربیت

مهین چناری^۱

بیان مساله

رویکرد تطبیقی در دوران معاصر در شاخه های مختلف دانش بشری بکار گرفته شده است. اما منظور از "تطبیق" چیست؟ گاهی اوقات این اصطلاح بدون توجه به معنای روش شناختی آن بکار گرفته شده است. بررسی ها نشان می دهد مفهوم مقایسه به ندرت توسط نظریه پردازان تعلیم و تربیت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برخی از نظریه پردازان به اشتباه مقایسه را به عنوان هدف و نه روش و ابزار منطقی در حل مسائل پژوهشی در نظر گرفته اند. این مقاله در ابتدا با این فرض که مفهوم مقایسه و تطبیق نیاز به بررسی دارد، این واژه را از منظر روش شناختی مورد بررسی قرار داده و درصدد است به سوالات زیر پاسخ دهد.

سوالات پژوهش

- 1- در فلسفه ی تعلیم و تربیت مقایسه و تطبیق به چه معنایی است؟
- 2- رویکرد تطبیقی چه مراحل دارد؟
- 3- محقق دریافته های حاصل از رویکرد تطبیقی به چه میزان نقش دارد؟

چارچوب نظری

از نظرمک لافلین (2004) در فلسفه وجود یک جنبه ی تطبیقی ضرورت دارد؛ خواه فلسفه در حوزه ی تعلیم و تربیت بکار گرفته شود و یا در حوزه های دیگر. کاربرد رویکرد تطبیقی را در فلسفه ی تعلیم و تربیت می توان پدیده ای قدیمی در نظر گرفت؛ بدین معنی که در مکتوبات افلاطون می توان مقایسه هایی بین اندیشه های تربیتی و نیز عمل تربیت در آتنواسپارت مشاهده نمود. با این وجود تا قرن نوزدهم به صورت روشمند و از منظر روش شناختی به رویکرد تطبیقی

mahin.chenari@gmail.com

¹ - استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم،



پرداخته نشده است. که در مقاله‌ی حاضر این بررسی صورت می‌پذیرد و مراحل برای آن ارائه می‌گردد.

این رویکرد براساس این منطق ساده است که هر قدر دو چیز به هم شبیه باشند باز هم با هم تفاوت‌هایی دارند. اندیشه‌ها و مفاهیمی که در فلسفه‌ی تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار می‌گیرند باید در عین داشتن نقاطی که همپوشانی دارند، وجوه افتراقی داشته باشند تا بتوانند با رویکرد تطبیقی مورد بررسی قرار گیرند. ضمناً "تطبیق" توجه را به این نکات جلب می‌کند: (الف) چه مواردی با یکدیگر قابل مقایسه هستند؟ (ب) مبنای ارزیابی مقایسه چیست؛ به عبارت دیگر، در انجام مقایسه به چه اصولی استناد می‌شود؟ (ج) چه دلایل و انگیزه‌هایی زیربنای مقایسه‌های انجام شده هستند؟ (د) چه فرایندی در انجام مقایسه طی می‌شود؟

از آنجا که اندیشه‌ها و افکار درخلاء تولید نمی‌شوند، لذا در فلسفه‌ی تعلیم و تربیت هر دیدگاه و یا مفهومی مورد بررسی قرار می‌گیرد نمی‌تواند منفک از زمینه‌های اجتماعی و تاریخی آن باشد و این امر جزء لاینفک هر تحلیل تطبیقی است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. برای جمع‌آوری اطلاعات از کتاب‌ها، مقالات، مجلات، و سایت‌های معتبر استفاده شده است. در این پژوهش محقق تلاش کرده است تا با توجه به منابع مطالعاتی ضمن گردآوری اطلاعات با نگاهی تحلیلی موضوع را مورد بررسی قرار دهد.

یافته‌ها

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد نظریه پردازان رویکرد تطبیقی فرض کرده‌اند که مفهوم مقایسه واضح بوده و نیاز به هیچ تعریفی ندارد. در تعریف مقایسه و تطبیق می‌توان گفت این واژه به عملی اطلاق می‌شود که در آن دو یا چند پدیده را در کنار هم قرار داده شده و برای تعیین وجوه اشتراک و اختلاف، آنها را مورد تحلیل قرار می‌دهیم. هر چند رویکرد تطبیقی اغلب به عنوان کاربرد تکنیک‌های تطبیقی برای بررسی مسائل مربوط به تعلیم و تربیت تعریف شده است اما مشاهده شده است در



برخی از مطالعات به واقع هیچ مقایسه‌ای انجام نمی‌گیرد. برخی از پژوهش‌های انجام شده با استفاده از رویکرد تطبیقی تنها موضوعات مورد مطالعه را ارائه می‌کنند و کار مقایسه و تطبیق یا وظیفه‌ی کشف تشابهات و اختلافات را به خواننده واگذار می‌کنند.

برای رویکرد تطبیقی در فلسفه‌ی تعلیم و تربیت می‌توان مراحل زیر را در نظر گرفت: (1) مرحله‌ی شهودی (ادراک وجود ارتباط بین عناصر و یا جنبه‌های مختلف دو دیدگاه یا دو مفهوم) (2) مرحله‌ی توصیفی (تلاش برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز و طبقه‌بندی این اطلاعات) (3) مرحله‌ی تحلیل و تفسیر اطلاعات بدست آمده (تعیین شباهت‌ها و تمایزات) و تلاش برای دستیابی به معیاری که بر اساس آن شباهت‌ها و تمایزات مطرح شده تبیین شوند (4) مرحله‌ی تطبیقی (تهیه‌ی معیاری برای تعیین میزان شباهت‌ها و یا تمایزات) (5) مرحله‌ی قضاوت ارزشی (اسناد کاملتر یا ناقص‌تر، بهتر یا بدتر به مفاهیم یا دیدگاه‌ها) (6) مرحله‌ی بازبینی فرایند انجام شده با دید نقادانه.

در حوزه‌ی فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، محتوای یک تعریف به جهان بینی کسی که این تعریف را ارائه می‌دهد بستگی دارد. لذا، هنگام مقایسه پژوهشگر باید متوجه این نکته باشد که مفروضات، سیستم ارزش‌ها و پیشداوری‌های وی می‌تواند به سوگیری وی منجر گردد.

نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهادها

شکل‌گیری مفاهیم (و مقایسه نیز) یک فرایند استدلال است؛ فرایند پردازش اطلاعات برای تولید دانش. بنابراین مقایسه، پذیرش، یا ادراک اطلاعات نیست. ادواردز (1970) معتقد است "مقایسه همواره مقایسه از جنبه‌ای خاص است". توافق یا اختلافی که باید کشف شود توافق یا اختلاف نیست بلکه آنچه باید کشف شود آن چیزی است که برای حل مسئله‌ی نظری مهم است. بنابراین مقایسه تنها با توجه به ویژگی‌هایی که در آن زمان مهم هستند، انجام می‌شود و ویژگی‌های دیگر نادیده گرفته می‌شوند یا به عنوان موضوعات بی‌اهمیت کنار گذاشته می‌شوند. می‌توان گفت که عملکردهای اساسی ذهنی انسان شناخت، مقایسه و طبقه‌بندی هستند. اما تدوین دقیق تعاریف و مفهوم‌سازی پدیده‌ها بعد از طبقه‌بندی قرار می‌گیرند و نه قبل از آن.

واژگان کلیدی: پژوهش فلسفی، رویکرد تطبیقی، فلسفه تعلیم و تربیت، روش‌شناسی



منابع

- 1- Kazamias, A. M. "Some Old and New Approaches to Methodology in Comparative Education," *Comparative Education Review*, Vol. 5, No. 2, pp. 90-96.
- 2- Edwards, R. (1970). "The Dimensions of Comparison, and of Comparative Education," *Comparative Education Review*, Vol. 14, No. 3, pp. 239-54.
- 3- McLaughlin, T. (2004). "Education, Philosophy and the Comparative Perspective." *Comparative Education*, Vol. 40. pp. 471-483.
- 4- Smart, N. (2000). *World philosophies*, London: Routledge.